

Unit 20 book 6

چسب

چسب ماده ای است که برای چسباندن اشیا به هم استفاده می شود.
نجار با استفاده از چسب دو قطعه چوب را کنار هم نگه داشت.

نامطلوب

اگر چیزی نامطلوب باشد ، ضرر دارد.
نخوردن غذاهای سالم می تواند بر سلامتی شما اثر سو بگذارد.

وابستگی

وابستگی یک نیاز شدید به کسی یا چیزی است.
کودک هنوز به مادرش وابستگی دارد.

زباله

ریختن چیزی به معنای دور انداختن یا خلاص شدن از آن است.
او زباله ها را به سطل آشغال ریخت.

ابدی

اگر چیزی ابدی باشد ، برای همیشه ماندگار است.
او گفت که عشق او به او ابدی است.

نوسان

نوسان به معنای افزایش و کاهش تعداد یا مقدار است.
قیمت بنزین در تمام ماه در نوسان بوده است.

به طرف

اگر چیزی به این سو و آن سو حرکت کند ، به عقب و جلو یا کنار هم حرکت می کند.
موهای بلند او هنگام چرخش روی تاب به این طرف و آن طرف می رفت.

شمول

شمول عبارت است از گنجانیدن شخصی یا چیزی در یک گروه.
ورود وی به کلپ عکس با استقبال خوبی روبرو شد.

حد واسط

اگر چیزی متوسط است ، پس در وسط دو سطح ، مکان یا زمان قرار دارد.
او تپه اسکی میانی را انتخاب کرد تا بعد از ظهر اسکی خود را آغاز کند.

متناوب

اگر چیزی مقطعی باشد ، به گونه ای اتفاق می افتد که ثابت نیست.
تمرکز کار سختی بود زیرا صداهای متناوب از کارگران خارج می آمد.

مرشد

مربی ، شخصی با تجربه یا دانش است که شخصی را نصیحت می کند.

دانش آموزان هر یک مربی را برای کمک به آنها در آزمایش انتخاب کردند.

ققنوس

ققنوس پرنده ای خیالی است که خاکستر شد و دوباره متولد شد. برخی معتقدند که ققنوس نمادی برای تولد دوباره و آغازی تازه است.

فتوسنتز

فتوسنتز فرآیندی است که در آن گیاهان باعث تغییر نور خورشید و هوا می شوند. ماده شیمیایی موجود در گیاهان که باعث سبز شدن آنها می شود در فتوسنتز استفاده می شود.

گرده گل

گرده ، پودر زرد ریز است که در گل گیاهان ساخته می شود. در طول بهار ، گرده موجود در هوا باعث بیماری برخی افراد می شود.

به دست آوردن مجدد

بازیابی چیزی به معنای پس گرفتن آن است. باتری پس از شارژ مجدداً توان خود را بازیافت.

معکوس

معکوس کردن به معنای تغییر جهت مخالف است. آنها پس از دیدن علامت ، جهت خود را معکوس کردند.

ازدحام

انبوه گروهی از حشرات پرنده است. انبوهی از پروانه ها آسمان تابستان را پر کرده اند.

بافت

بافت کیفیت چیزی است که با لمس آن شناخته شود. بافت پوست او بسیار نرم و صاف بود.

قلقلک دادن

قلقلک دادن کسی یعنی لمس کردن او به روشی که باعث خنده شود. مادر پای پسر کوچک را قلقلک داد و او از خنده فریاد زد.

پر جنب و جوش

اگر چیزی پر جنب و جوش باشد ، پس آن روشن و پررنگ است. پیراهن های جدید آنها سایه ای زنده از رنگ قرمز بود.

زنبور حریص

یک زنبور جوان امتحانات سطح متوسط خود را گذرانده بود. او اکنون همه چیز را در مورد گل می دانست. او درک کرد که چگونه آنها برای ساخت اکسیژن از فتوسنتز استفاده کرده و کدام یک بهترین گرده را تولید می کنند. زنبورها وابستگی مهمی به گرده داشتند. از ابتدای زمان ، وظیفه همیشگی زنبورها جمع آوری گرده و ساختن عسل با آن بود.

از آنجا که او امتحانات خود را پشت سر گذاشت ، زنبور عسل کوچک توانست نام خود را در دسته های گرده جمع کند. او هیجان زده شد زیرا سرانجام اجازه یافت که کندو را ترک کند. او با دسته بعدی آنجا را ترک کرد و مصمم بود که گل کامل را

پیدا کند. به زودی او یک گل بزرگ ، پر جنب و جوش و پراز گرده گل را دید. او روی گلبرگ نشست و به سمت گرده در مرکز گل رفت.

بلافاصله ، او شروع به غلتیدن در گرده کرد ، و آن را روی پاها و بالهای خود جمع کرد. وقتی ریزه ها به بدن او می چسبید ، بافت ریز آن قلفلک می داد. این بهترین تجربه زنبور کوچک بوده است. تا آنجا که توانست جمع کرد.

اما هنگامی که او در حال پرواز به خانه بود ، متوجه شد که همه گرده ها اثر سو دارند. او هیچ کنترلی بر پرواز خود نداشت. باد با قدرت در نوسان بود. او را به این سو و آن سو می بردند. یک دقیقه او مستقیم پرواز می کرد و دقیقه دیگر باد مسیر او را برعکس کرده بود.

او سعی کرد مقداری از گرده را بیندازد ، اما مانند چسب عمل می کرد. او نتوانست آن را پیاده کند. خسته شد و به زمین افتاد.

"حالا من قصد دارم چه کار کنم؟" او فکر کرد. همین موقع ، مربی او کنار او نشست و شروع به تمیز کردن گرده های اضافی زنبور کوچک کرد. مربی وی گفت: "شما نباید اینقدر پول می گرفتید."

سرانجام ، با برداشتن گرده از زن ، زنبور عسل به راحتی قدرت خود را بازیافت و مانند ققنوس ، زنبور جوان دوباره به هوا پرواز کرد. هنگامی که به کندو بازگشت ، به سمت مربی خود برگشت و گفت: "امروز یک درس مهم آموختم. دیگر هرگز حریص نخواهم شد."